

# سنگ‌های سنگ شکن!

نوشته احمد بشیری

از همان هنگام که نخستین روزنامه پارسی زبان، در خانواده مطبوعات جهان، پای گرفت، یک دلاشویه و نگرانی جانفرسا و شگرف نیز، در دل فرزندان این خانواده، یعنی اهل قلم جای گرفت.

این نایبسامانی روحی و درونی، بر دو پایه اساسی استوار بود: بیم جان و دغدغه جان یاران!

به راستی که جای این پریشان دلی و اندیشناکی هم بود، زیرا که اهل قلم، همچنان که از روزگاران باستان تاکنون بوده است و هست و خواهد بود، همواره با شمشیر قلم، به جنگ حاکمیت‌های جبار و خودکامه می‌روند و با با تازبانه آزادی‌خواهی و حق‌گویی، برسانه حاکمان خودرأی می‌نوازند و می‌کوشند تا آنان را از خواب‌گران استبداد و جباریت برانگیزانند و گذشته از آنکه در این راه، چه کامیابی‌ها و ناکامی‌ها داشته‌اند، روند جنگ و ستیز دیرپای میان حاکمان و کاتبان، هرگز درنگ و تعطیل نداشته است و چنان می‌نماید که تا دنیا دنیاست نیز:

«در محیط طوفانزا، ماهرانه در جنگ است  
ناخدای استبداد، با خدای آزادی»

می‌توان گفت که: این، سرنوشت محتوم تمام آزادی‌خواهان جهان با همه جباران گیتی بوده است و خواهد بود.

نکته شیرین و شنیدنی در این جنگ نابرابر جهانی، آن بوده است و هست که همواره، نه دیو استبداد از تنوره کشیدن و نعره زدن و جنگ و دندان نشان دادن باز ایستاده است و نه فرشته آزادی، از تلاش و تکاپو وامانده و سپر افکنده است و با آن‌که بارها و بارها، در راه این پیکار پایان‌ناپذیر، و تاخت و تاز و مرکب‌دوانی دژخویان استبداد، برخاک دلیران و جانبازان آزادی، از کشته‌های شهیدان عشق، پشته‌ها پدید آمده و خون از سرزین جلاخان گذشته

است اما همیشه نیز، بازماندگان آن شهیدان، سنگ سنگ شکن تاریخ، برجای مانده‌اند و اگر سرنگونی و شکستی بوده، به زورآوران و خودکامان رسیده است و هرگز، در سپاه دلاوران راه آزادی، سستی و کاستی‌ای دیده نشده است و چنانکه دیده‌ایم و دیده‌اند، هرروز، بر شمار سپاه شب‌شکنان افزوده گشته و صف‌های آنان، بیشتر به هم فشرده، و پشتیبانی و همیاری‌شان، فزونی گرفته است:

«لطف بی‌پایان او، چندان که عاشق می‌کشد

زمره دیگر، به عشق، از غیب، سر برمی‌کنند!»

و از همین جاست که می‌توان بی‌گمان و آسوده دل بود که اردوی پیکارگران راه آزادی، پایانی نخواهد داشت و هیچگاه از هم پاشیده و اردوگاه آنان، به هیچ روی، از جای برجیده نخواهد شد و به راستی که:

هر شب ستاره‌ای به زمین می‌کشد و باز

این آسمان پُراست هنوز، از ستاره‌ها!

اهل قلم کشور ما، از خامه‌بدستان دیگر جاهای جهان، دور و جدا نیستند و خواه ناخواه، نمی‌توانند خودشان را، از اردوی پیکارگران راه آزادی کنار بکشند و با آنان هم صدا نشوند؛ به ویژه آنگاه که دامنه این پیکار، به درون مرزهای کشور خودمان هم کشیده شده باشد، ناگزیر، درگیری دشوارتر خواهد بود و چاره‌ای نیست جز آن‌که گام‌های رزم‌آوران نیز استوارتر و اراده‌هایشان پایدارتر شود.

داستان جنگ و گریزهای مطبوعات این کشور، با ستمگران و زورگویان روزگار، یک حماسه خون‌آلود و یک زخم کهنه و بینه بسته است و تازگی ندارد و چه بسیار زنان و مردان دلاوری که در این پیکار، مردانه پای به میدان نهاده و پرچم را از دست یکدیگر گرفته‌اند تا اگر دلیری به خاک افتاد، به هرروی، پرچم بر زمین نیفتد و تا امروز، این پرچم پاره‌پاره از تیروستان دشمنان، همچنان در هوای آزادی، باشکوه و سرفرازی هر چه بیشتر، می‌چنید و می‌رقصد و دلاوران را به سوی خود فرا می‌خواند و درعین

حال، از دست جنگاوری، به جنگ گندآوری دیگر می‌رسد و:

«این چراغی است کزین خانه، بدان خانه برند.»

در سال‌های کنونی، بدبختانه، به جای آن که هماهنگ با آنچه در جهان پیرامون ما، پیش می‌آید و آشکارا دیده می‌شود که دوام و پابرجایی حاکمیت‌ها، جز با پیش گرفتن راه خشنودی مردم و بزرگداشت حقوق طبیعی و قانونی آنان، شدنی نیست و هرکس با هر نیرویی، اگر در برابر مردم بایستد، سرانجام مره تلخ ناکامی را خواهد چشید، بازهم در گوشه و کنار، کسانی سر بر می‌آورند که می‌پندارند مردم، عددی نیستند و می‌توان با دوزدن آنها، راه عاقبت در پیش گرفت و گلیم خویش را، از موج حوادث، بیرون کشید!

برای همین دیدگاه و از همین جاست که درگیری این گروه، با مردم و به نمایندگی بالقوه مردم، با فرزندان قلم به دست آن‌ها، آغاز می‌شود و همواره، یک طرف، می‌کوشد تا به نهانخانه اسرار طرف دیگر نقب بزند و از زوایا و خفایای آن سر در بیاورد و آن طرف نیز، با همه نیروی خود، تلاش می‌کند که در برابر این یکی، بایستد و اگر هوا را پس دید، تا مرز گرفتن جان حریف، پیش برود و آدم‌کشی‌هایی که به تازگی بیش آمده و فرزندان برومندی از خانواده بزرگ ایرانی ما، به خاک و خون درغلتیده‌اند و شاخه‌های باروری که از درخت تناور این بوستان سرسبز، برخاک هلاک افکنده شده‌اند، نمونه‌هایی دلخراش از همین جدال ایزدی - اهریمنی است.

گفت: آن یار، کز وگشت سردار بلند

جرمش آن بود که: اسرار، هویدا می‌کرد!

در بسازه آدم‌کشی‌های غافلگیرانه و دیوخیانه یاد شده، و شیوه رسیدگی هوشمندانه و زیرکانه هیأت ویژه رسیدگی به این کشتارها، مطبوعات و رسانه‌های گروهی درون و بیرون کشور، تا آن‌جا که می‌شده و می‌توانسته‌اند،

نوشته و گفته‌اند و در این باره جایی برای مطالبی تازه نمانده است و ما هم قصد تجدید مطلع نداریم اما انگیزه و بهانه‌مان برای نوشتن این کوتاه سخن، مصاحبه شگفت‌آور دادستان نظامی تهران، به روز سی‌ام دیماه است که مفاد آن، همه کسانی را که سررشته‌ای از مسائل حقوقی و قضایی دارند، به حیرت فرو برد.

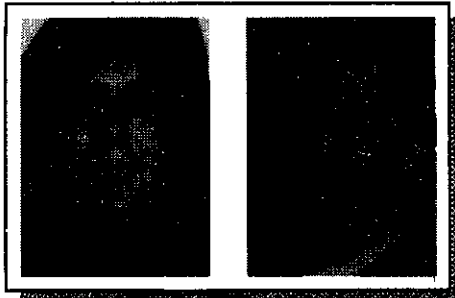
برای آن که معنی و مفهوم سخنان دادستان نظامی تهران بهتر و شفاف‌تر دریافته شود، خوب است نخست مقدمه و پیش درآمد کوتاهی در این باره بیان کنیم، سپس به بررسی سخنان ایشان بپردازیم:

پس از آن که به دنبال پی‌گیری چگونگی ارتکاب قتل‌های نویسندگان و روشنفکران سیاسی کشور، روشن گردید که «...معدودی از همکاران مسؤولیت ناشناس، کج‌اندیش و خودسر...» وزارت اطلاعات و امنیت کشور، همگی یا برخی، از دست‌په‌کاران قتل‌ها بوده‌اند و بازم، پس از آن که هیأت ویژه بررسی چگونگی قتل‌ها، به آگاهی همگان رسانید که: «...براساس تحقیقات انجام شده، این متهمان، به هیچ‌گروه و جناح سیاسی کشور، وابستگی ندارند.» و همین جور خودسرانه و کتره‌ای و برائت «سلیق و گرایش‌های مختلف» نقشه قتل‌ها را کشیده و دست به کشتار فرزندان با ارزش این کشور زده‌اند، و کارآن‌ها، صرفاً محفلی بوده و نه سازمانی و حساب شده، و برای رسیدن به اهدافی ویژه، مردم تیزهوش این دیار، دریافتند که:

آن قطره شه به چشمه و آن چشمه شه به جوی وان جوی، بسا محیط عدم گشت مستقرن!  
و به دیگر سخن، کار از بیخ خراب است و نباید چشم به راه پیدا شدن سرفرخ درستی از این ماجرا باشند.

اما دیری نپایید که یک روز، فردی آمد و طی مصاحبه‌هایی، در رسانه‌های گروهی، چراغ تازه‌ای پیش روی مردم گذاشت و فریاد زد:

ایهاالناس! چه نشسته‌اید که: «... نیروهایی که مرتکب چنین قتل‌هایی شدند، نیروهای مذهبی بوده و از لحاظ سیاسی، از طرفداران جناح چپ استحاله شده (!) و از هواداران جدی رئیس محترم جمهوری بوده‌اند و تا آنجایی که من از سوابق ممتد آن‌ها اطلاع دارم، مسؤول این جریان، آدم اهل فکری بود.» و گذشته از این‌ها: «... مقتولان نیز، از مخالفان نظام بودند



پروانه فروهر

داریوش فروهر

به طوری که بعضی از آن‌ها، حتی «مرد» بودند و عده‌ای دیگر، «ناصبی» بوده و نسبت به ائمه (ع) اظهار جسارت می‌کردند!» و برای همین بوده است که:

«... مسمکن است مرتکبین، از روی اعتقادات مذهبی و تحت تاثیر احساسات دینی، یا به واسطه یک تحلیل خاصی، این آقایان را به قتل رسانده باشند.»

ضمناً، جناب ایشان، متعجبانه از مردم پرسیده است که:

«با توجه به این که مسؤول اصلی باند و عامل اصلی این قتل‌ها، از به اصطلاح چپ‌های هوادار جریان دوم خرداد بود، سوال اساسی این است که این افراد چگونه به چنین تحلیلی رسیده‌اند، درحالی که این گونه اقدامات، مخالف شعارهای آقای خاتمی است؟!»

نتیجه‌گیری مصاحبه کننده، به آنجا رسیده که گفته است:

«... خود این آقایان در صحبت‌های اولیه گفته‌اند، چون هماهنگی بین نیروهای ضدانقلاب و ضد دین را، با جبهه دوم خرداد، خطری برای انقلاب تشخیص داده‌اند، دست به این اعمال زدند تا همبستگی جبهه حاکم و ضدانقلاب که زیر نام آقای خاتمی لانه کرده‌اند را، متلاشی سازند.»

دامنهٔ افشاگری مصاحبه کننده تا آن جا کشیده شد که گفت: «شاید شاخه‌ای از جناح موسوم به چپ، که من آن‌ها را «چپ رجعت طلب» (!) می‌نامم و اخیراً به طور علنی اعلام کردند که می‌خواهند کانون‌های قدرت نظام را، سنگر به سنگر فتح کنند، برای اشغال سنگر وزارت اطلاعات توسط‌های طراحی کرده باشند... تا آنجایی که من اطلاع دارم مدتی است نیروهای چپ فرصت‌طلب، درحال تدوین سناریویی برای در دست گرفتن وزارت

**اطلاعات هستند...**

«... این افراد، درحال طرح‌ریزی یک سناریو، جهت حذف آقای درّی نجف‌آبادی، از راس وزارتخانه هستند، لذا احتمال زیادی وجود دارد که با این دیدگاه انحرافی و قدرت‌طلبانه، آن‌ها فریب خورده و آلت دست برای توطئه‌های اخیر، تبدیل شده باشند.»

سرانجام، مصاحبه کننده، سخنان خودش را چنین جمع‌بندی کرده است که: «... در چنین وضعیتی، وظیفه آحاد امت حزب‌الله این است که: اولاً - از آقای درّی نجف‌آبادی حمایت کنند و نگذارند شرایط استعفا‌ی ایشان فراهم شود و ثانیاً - آقای درّی نیز باید در برابر چنین ماجرای، مردانه بایستد.»\*

**یک بررسی تطبیقی**

البسته برای آن که روشن شود، کار مصاحبه‌گر، بی‌حساب و کتاب نبوده و واقعاً اطلاعاتش دست اول و به اصطلاح موثق است، نامبرده در پاسخ مخالفت‌هایی که با سخنانش شده بود، در مصاحبه دیگری، قرص و محکم ایستاد و گفت:

«... غوغا سالاران، تلاش می‌کنند تا سخنان مرا، توطئه‌ای حساب شده برای تخریب ریاست جمهوری قلمداد کنند درحالی که من، با هیچکس مشورت نکرده‌ام و هیچکس از تصمیم من مطلع نبوده است. همه مسؤولیت‌ها به عهده من می‌باشد و مردانه، پای ادعای خود ایستاده‌ام و حاضرم در هر محکمه‌ای آنرا ثابت کنم.»\*\*

«می‌گویم و می‌آیمش از عهده برون!»  
برای آن که برداشت نادرست یا سوء تفاهم نشود، ناچارم بنویسم که درباره مطالب بالا و گوینده آن‌ها، شخصاً هیچ عقیده و نظریه‌ای و یا کاری به درست یا نادرست بودن سخنان گفته شده، ندارم و نقل قول آن‌ها، صرفاً به عنوان ذکر مقدمه و «جوری جنس» بوده است و بس!

فراهم شدن مقدمات بالا، خود به خود، زمینه و بستر خوبی بود برای ایراد مصاحبه دادستان نظامی تهران که در واپسین روز دیماه، از رسانه‌های گروهی پخش گردید.

این مصاحبه، از دیدگاه‌های گوناگون در خور بررسی و نگرش فراوان است. دادستان نظامی در مقام بیان توضیح،

پیرامون چگونگی رسیدگی به پرونده قتل‌های اخیر گفته است:

«... این پرونده، به لحاظ وقوع مکانی قتل، ابتدا در دادگستری‌های مرکزی تهران، شهریار و شهر ری تشکیل شد و پس از آن که معلوم شد عناصری از وزارت اطلاعات نیز، به عنوان متهم، در آن مطرح هستند، پرونده جمع‌آوری و به دادسرای نظامی ارجاع شد...»

دادستان نظامی تهران، درباره علت ارجاع پرونده اتهامی کارکنان وزارت اطلاعات، به دادسرای نظامی گفته است:

«... رسیدگی به جرائم پرسنل وزارت اطلاعات، در مواردی که جرایم خاص اداری و جرایم شامل اسرار نظامی باشد، برعهده دادسرای نظامی است.»

دادستان نظامی تهران، درجای دیگری و در مورد احراز صلاحیت دادسرای نظامی، برای رسیدگی به پرونده قتل‌های اخیر، گفته است:

«... این پرونده، همچنین به لحاظ تجربه دادسرای نظامی و نظر کمیته تحقیق، و تاکید رئیس جمهور، به این دادسرا موکول شد که به لحاظ مسایل امنیت ملی، رسیدگی به آن، با جدیت و قاطعیت آغاز شد.»

سرانجام، بنابه گفته دادستان نظامی تهران: «... در این پرونده تنها به چهار فقره قتل مربوط به مقتولان: داریوش فروهر و همسرش - محمد مختاری و محمدجعفر پوینده رسیدگی می‌شود.»

اما عجیب‌ترین بخش گفته‌های دادستان نظامی تهران این است که:

اولاً - «... تاکنون هیچیک از متهمان ادعا نکرده‌اند که برای ارتکاب این قتل‌ها، مجوز و حکم شرعی داشته‌اند و در این زمینه، هیچ حکم شرعی و قضایی صادر نشده است چرا

## به موجب قوانین موجود، به پرونده قتل فروهرها و دو نویسنده کشته شده باید در دادگاههای عمومی دادگستری (با حضوریابی حضور هیأت منصفه) رسیدگی شود.

براساس ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی، در یک دادگاه صالح مطرح کرده و آن را به اثبات برسانند»\*\*\*

بی‌گمان، سخنان دادستان نظامی تهران، عجیب‌ترین مطالبی است که ممکن است یک مقام قضایی، درباره یک حادثه بزرگ جنایی کشور، که ابعاد آن تا دورترین نقاط جهان نیز رفته است، برزبان بیاورد.

برای این که یک بررسی تطبیقی، بین سخنان دادستان نظامی تهران و مقررات و قوانین موضوعه کشور، انجام داده باشیم، بایسته است که نخست، سری به قوانین آمره گوناگون کشور بزنیم تا زمینه لازم و شفافی برای مطالب بعدی فراهم آید و خوانندگان این نوشته، به ویژه آنان که سررشته بسنده‌ای از مسائل قضایی و حقوقی ندارند، سردرگم نشوند:

### الف - قانون اساسی:

اصل نوزدهم - مردم ایران، از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها، سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم - همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام، برخوردارند.

اصل بیست و دوم - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم - تقیض عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن

که در حکومت اسلامی، که اسلام حاکمیت دارد و ولی فقیه مبدسوط‌الید است، هیچکس نمی‌تواند حکمی خارج از سیستم قضایی و شرع و قانون صادر کند.»

ثانیاً - «... متهمان این پرونده، ممکن است دارای سلاقی و گرایش‌های مختلفی باشند ولی براساس تحقیقات انجام شده، این متهمان به هیچ گروه و جناح سیاسی کشور، وابستگی ندارند.»

ثالثاً - «... متهمان این پرونده ادعاهایی در مورد مقتولان دارند که مورد قبول این دادسرا نیست و متهمان طبعاً از خودشان دفاع خواهند کرد.»

رابعاً - «... متهمان باید ادعاهای خود را

## مجموعه

فرامطلق (سهامی خاص)

خرید و فروش - ائبار - حسابداری - کنترل بانک - کنترل اشخاص - تولید

یک نرم افزار = شش نرم افزار

تهران ۱۴۳۸- خیابان ولیعصر- مقابل پارک ساعی- شماره ۱۰۵۰۶- واحد ۲۰۸ تلفن: ۰۲-۸۷۱۴۷۰۴ فاکس: ۰۷-۱۴۷۰۷

عقیده‌ای، مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد. اصل سی و ششم - حکم به مجازات و اجراء آن، باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم - اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او، در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل یکصد و پنجاه و نهم - مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آن‌ها، منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصت و پنجم - محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم - برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد. ولی به جرائم عمومی آنان، یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

### ب - قانون آیین دادرسی کیفری:

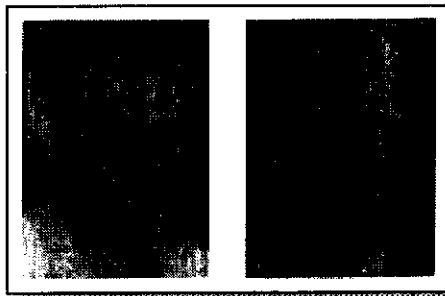
ماده ۳ - اقامه دعوی و تعقیب مجرم یا متهم با جرم، از حیث حقوق عمومی، برعهده اداره مدعی‌العمومی \*\*\*\* است...

ماده ۱۹۳ - صاحب منصبان و تائین نظامی، که جزو قشون ردیف یا احتیاطی محسوب می‌شوند، در صورت اتهام به جنحه و جنایت، در محاکم عمومی محاکمه می‌شوند مگر این که محقق شود که تقصیر آنان، راجع به خدمات نظامی است.

ماده ۱۹۴ - صاحب منصبان و تائین نظامی، که در ادارات کشوری مشغول خدمتند، در حکم صاحب منصبان نظامی هستند که در ماده قبل مذکور است، یعنی در صورتی که جرم آنان، راجع به نقض تکالیف خدمت نظامی آنان نباشد، در محاکم عمومی محاکمه

در مراجع قضایی دادگستری رسیدگی خواهد شد.

تبصره ۳ - منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی، جرایمی است که افسران و درجه داران و افراد و کارمندان وزارت دفاع و ارتش، به سبب خدمت، در سازمان یا واحد نظامی مربوط مرتکب شده باشند.



محمد مختاری محمدجعفر بوینده

ت - قانون الحاق سازمان قضایی ارتش به دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۰

ماده واحده - در اجرای اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از تاریخ تصویب این قانون، سازمان قضایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و کلیه دادرها و دادگاههای نظامی مستقر در سراسر کشور، از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، جدا، و به وزارت دادگستری ملحق می‌گردد.

ث - قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴

ماده ۱ - رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضاء نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهربانی، پلیس قضایی، کمیته‌ای انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح قانونی دیگر، برطبق مواد این قانون، در صلاحیت دادگاههای خاص نظامی است.

تبصره ۱ - منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، بزه‌هایی است که اعضاء نیروهای مسلح، در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات، به عهده آنان است، مرتکب گردند.

تبصره ۲ - جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شده باشند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

ج - قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۲۷ مرداد ۱۳۶۲

ماده ۱ - به منظور کسب و پرورش

می‌شوند.

ماده ۱۹۵ - صاحب منصبان کشوری که در قشون بَری و بحری مشغول خدمتند، در صورتی که جرم آنان، راجع باشد به عدم اطاعت نظامی یا سایر تکالیف مقرر که برای خدمت آنان در جزو نظام معین شده است، در محکمه نظامی و در سایر موارد، در محاکم عمومی محاکمه می‌شوند.

ماده ۱۹۶ - در غیر موارد ماده قبل، صاحب منصبان و مامورین کشوری، فقط در صورتی در محاکم نظامی محاکمه می‌شوند که در محل ارتکاب جرم، به طوری که قانون تعیین می‌کند، حکومت نظامی اعلان شده باشد.

ماده ۱۹۷ - هرگاه کسی متهم به ارتکاب چند جرم از درجات مختلفه باشد، در محکمه‌ای محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد.

ماده ۱۹۸ - شرکاء و معاونین مجرم، در محکمه‌ای محاکمه می‌شوند که صلاحیت حکم را، در باره مجرم اصلی دارد.

پ - قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب هشتم اردیبهشت ۱۳۵۸

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، دادگاههای نظامی، منحصرأ به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی، رسیدگی خواهند کرد و رسیدگی به سایر جرائمی که در صلاحیت دادگاههای مذکور قرار گرفته، به مراجع قضایی دادگستری محول می‌گردد.

تبصره ۱ - جرائمی که افسران و درجه‌داران و افراد و کارمندان شهربانی و ژاندارمری کشور، به سبب خدمت یا در حین خدمت و به سبب آن مرتکب شده یا بشوند،



اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی و بدست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی، جهت پیشگیری و مقابله باتوطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌گردد:

ماده ۱۰- شرح وظایف وزارت اطلاعات:  
الف- کسب و جمع‌آوری اخبار، و تولید، تجزیه، تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات موردنیاز در ابعاد داخلی و خارجی.

ب- کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش علیه استقلال و امنیت و تمامیت ارضی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران.

ج- حراست اخبار، اطلاعات، اسناد، مدارک، تاسیسات و پرسنل وزارتخانه.

د- آموزش و کمک‌های لازم به ارگان‌ها و نهادها جهت حفاظت از مدارک، اسناد و اشیاء مهم آن‌ها.

ه- ارائه خدمات اطلاعاتی ضروری به سازمان‌ها و ارگان‌ها و آگاه ساختن به موقع آن‌ها نسبت به توطئه‌ها.

و- همکاری و تبادل اطلاعات و تجارب اطلاعاتی با کشورهایی که حائز صلاحیت لازم باشند.

اکنون که از بررسی تطبیق قوانین دست کشیدیم، بیرامون سخنان دادستان نظامی تهران از دیدگاه قانون اساسی، قوانین آئین دادرسی مدنی و کیفری و دیگر قوانین موضوعه کشور، پرسش‌هایی پیش می‌آید که ما خواهیم کوشید درباره پاره‌ای از آن‌ها مطالب کوتاهی به نظر خوانندگان برسانیم. البته تذکر این نکته هم بایسته است که منظور ما، از نقد سخنان دادستان نظامی تهران، صرفاً، روشن کردن زوایای یک موضوع قضایی و حقوقی است تا اگر بیم بروز ترک اولی یا اشتباهی، از طرفی، برود، پیش از آن که پیشینه بدی، از خود برجای بگذارد، از آن جلوگیری و یا رفع اشتباه شود. با نگرش به توضیح بالا، نکاتی که از لحاظ قضایی و حقوقی به نظر ما رسیده است، اینها است:

۱- در صورتی که قتل آن چهار نفری که دادستان نظامی از آنان نام برده است، جنایاتی عادی و یا دست بالا، سیاسی است، و صلاحیت رسیدگی به این‌گونه جرائم نیز، طبق قوانین

## قانون بد، تنها گریبان چند

## نفر سیاست پیشه یا

## نویسنده بی‌پناه را نخواهد

## گرفت و به حکم آنکه قانون

## کور است، لاجرم، خشک و

## تر را با هم خواهد سوزانید

## و ای بسا که روزی هم بر سر

## راه همان قانون‌نویسان

## بی‌پروا، قد علم کند.

تخلفات آن‌ها را در صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی می‌داند؟

۳- این که نامبرده گفته است: «جرایم خاص اداری و جرایم شامل اسرار نظامی» کارکنان وزارت اطلاعات در صلاحیت رسیدگی دادسرا و دادگاه نظامی است، منظور از «جرایم خاص اداری» چیست و کدام «اسرار نظامی» در قتل‌فروهرها و دو نفر نویسنده نگون‌بخت کشته شده، پنهان بوده است؟

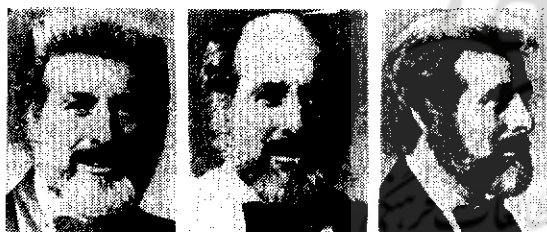
۴- بگیریم که رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف اداری یا اسرار نظامی، با دادسرای نظامی باشد، آیا قتل‌های مورد اشاره دادستان نظامی تهران، از «وظایف خاص اداری» کارکنان وزارت اطلاعات و یا «اسرار نظامی» بوده است؟ یعنی قاتلان، برابر مأموریت اداری برای ارتکاب قتل‌ها گسیل شده بوده‌اند؟

دادستان نظامی تهران حتماً این را می‌داند ولی برای روشن‌تر شدن موضوع می‌نویسم که

موضوعه موجود، با دادگاههای عمومی دادگستری و علنی است، ادعای دادستان نظامی که دادسرای نظامی را صالح به رسیدگی پرونده این قتل‌ها می‌داند، با کدام مبنای قانونی مطابقت می‌کند و این صلاحیت رسیدگی، از کجا پیدا شده است؟

۲- وزارت اطلاعات، برابر قانون تاسیس و شرح وظایف آن، یک سازمان غیرنظامی است و طبقاً جرائم ارتکاب شده به وسیله کارکنان آن نیز، جنبه نظامی ندارد و باید در دادگاههای عمومی دادگستری با حضور، یا بی‌حضور هیأت متصفه به آن‌ها رسیدگی شود. در این صورت دادستان نظامی روی چه حسابی رسیدگی به

### قصر مو، اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران و خاورمیانه



## به مدیریت: وارطان

توصیه قصر مو به مراجعین محترم:

قبل از مراجعه حتماً نوع ترمیم را مقایسه کنید، بعد انتخاب

### « ضمناً؛ دارای انواع مدل‌های کلاه کیس »

برای کسب اطلاعات و مشاوره از ساعت ۹ صبح الی ۱۳ و ۳ تا ۶ بعدازظهر مراجعه فرمائید.

آدرس: بلوار کشاورز، خیابان فلسطین شمالی

ساختمان ۵۵، طبقه سوم

تلفن: ۸۹۰۶۴۳۶ - ۸۹۰۶۹۱۷

«آدم کشی، هرگز در شمار وظایف هیچ کارمند اداری نیست و همین که یک کارمند دست به چنین کار شریرانه‌ای زد، اصولاً و قانوناً، از حدود «وظایف سازمانی» خودش خارج شده است و دیگر نمی‌توان او را کارمند موظف سازمان متبوع او، به شمار آورد مگر این که صریحاً معلوم باشد که آن کارمند به «امر آمر قانونی» مرتکب قتل شده است.» که در این باره نیز، امر آمر قانونی، جز در برخی از موارد خاص نظامی و استثنایی و بیشتر، در زمان جنگ، ارزش و اعتباری ندارد و بعید است که در زمان صلح، هیچ آمر نظامی، بتواند فرمان قتل کسی را صادر کند آن هم افرادی بی‌گناه و غیرنظامی و عادی را، که در حال جنگ و براندازی نظام کشور هم، نبوده‌اند!

گذشته از این‌ها، «امر آمر قانونی» به ویژه در مورد جنایات، از شخص مباشر جنایت، سلب مسؤولیت نمی‌کند و آمر و مامور، هر دو، در جنایت سهیم و شریکند.

۵- این که دادستان گفته است: «... قبل از رسیدگی این پرونده... سازمان قضایی نیروهای مسلح، نسبت به جرائم اعضای از وزارت اطلاعات رسیدگی کرده...» منظور چیست و آیا آن جرائمی که در سازمان قضایی رسیدگی شده، به فرض صحت، از مقوله قتل و جنایت عادی بوده است؟

۶- منظور دادستان از این که: «حکم صادر شده از سوی این سازمان، در مراجع عالی، از جمله دیوانعالی کشور...» تأیید شده، چه بوده است و کدام مراجع عالی، آراء و تصمیمات سازمان قضایی ارتش را تأیید کرده است و مگر به جز دیوانعالی کشور، مرجع عالی دیگری که برای بررسی آراء صادره از دادگاههای کشور وجود دارد که ما، از آن بی‌خبریم؟ البته دادگاههای تجدیدنظر از این مقوله خارج است.

۷- دادستان نظامی گفته است: «... این مساله نشان می‌دهد که این مرجع، صالح به رسیدگی در این موارد است.» آیا به نظر ایشان که یک مرجع قضایی به شمار می‌آید، صلاحیت رسیدگی قضایی، از راه قیاس و نظیره‌سازی قابل انتقال است؟ یعنی همین که مرجعی، (ولو از روی اشتباه و مسامحه) به امری رسیدگی کرد و اتفاقاً مرجع بالاتری هم متعرض اقدام او نشد، چنین اتفاقی، جواز قانونی همیشگی، به مرجع رسیدگی کننده خواهد داد که

## چه کسی به چه حقی نظر داده که رسیدگی پرونده قتل‌های اخیر، از دادگاه عمومی گرفته و به دادگاه نظامی سپرده شود؟

در آینده هم، به موارد مشابه رسیدگی کند؟ در این صورت مقررات آیین دادرسی و سایر قوانین موضوعه، چه حکمی خواهد داشت؟ و دادستان نظامی تهران در این باره چه نظری دارد؟

۸- این که دادستان نظامی گفته است، «... این پرونده، همچنین به لحاظ تجربه دادرسی نظامی و نظر کمیته تحقیق، و تأکید رئیس جمهور، به این دادسرا موکول شد...» منظور چیست؟

آیا: الف - صرف داشتن تجربه کافی است که دادرسی نظامی که یک دادگاه اختصاصی است، در صلاحیت دادگاه عمومی دخالت کند و به میل و تشخیص خودش، خود را برای رسیدگی به پرونده‌ای که در صلاحیت مرجع قضایی دیگری است، صالح بداند؟

ب - وانگهی، همگان می‌دانند که تجربه و توانایی قضات دادگاههای عمومی، دست کم در باره جرائم عمومی و به ویژه جنایات، هیچگاه کمتر از دانش قضات دادگاههای نظامی نبوده است و نیست. در این صورت ادعای این که پرونده قتل‌های اخیر، به خاطر داشتن تجربه بیشتر به دادسرا و دادگاه نظامی ارجاع شده باشد، منطقاً، وجهت ندارد.

ج - کمیته تحقیق قانوناً، نمی‌توانسته است درباره صلاحیت مراجع قانونی رسیدگی کننده

پرونده، اعلام نظر کند و اگر چنین کاری را هم کرده باشد نادرست و قابل برگشت است. پس این کمیته نمی‌تواند نظر بدهد رسیدگی پرونده، از دادگاه عمومی گرفته و به دادگاه نظامی سپرده شود.

د - رئیس جمهوری، که رئیس قوه مجریه کشور است، برابر شرح وظایف قانونی‌اش، نمی‌تواند و نباید دستور دهد پرونده‌ای که رسیدگی به آن، موضوعاً در صلاحیت دادگاههای عمومی دادگستری است، به دادسرا و دادگاه نظامی فرستاده شود و تصور هم نمی‌رود که از جانب ایشان چنین دستوری صادر شده باشد.

ه - دادستان نظامی هم، حق و اختیار قانونی ندارد که به صرف توصیه دیگران، پرونده‌ای را که رسیدگی به آن، خارج از صلاحیت او است، رسیدگی کند.

و - این نکته مهم در نظر دادستان نظامی تهران بوده است که: اگر کسی، برخلاف مقررات و قوانین موضوعه کشور دخالتی در کار هر یک از قوای سه‌گانه کشور بکند، باید پاسخگوی مسؤولیت‌ها و عواقب ناشیه از دخالت غیر مجاز خودش باشد؟

۹- دادستان گفته است: «تاکنون هیچیک از متهمان ادعا نکرده‌اند که برای این قتل‌ها مجوز و حکم شرعی داشته‌اند» در این صورت: اول - اگر متهمی ادعا کند که برای کشتن چند تن بی‌گناه مورد بحث، دارای مجوز و حکم شرعی بوده است، ایشان این ادعا را می‌پذیرد؟ نمی‌پذیرد؟ چرا؟

دوم - اگر کسی ادعای داشتن جواز و حکم شرعی برای ارتکاب قتل‌ها کرد و اتفاقاً دارای چنین جوازی از فرد معینی هم بود، با او چه خواهند کرد؟

الف - به کلی آزادش خواهند کرد؟  
ب - اعتنایی به مدرک و جوازش نخواهند کرد؟

ج - صادر کننده جواز قتلش را هم، به عنوان شریک یا آمر اقوی از مباشر، بازداشت و محاکمه خواهند کرد؟

د - در صورتی که دادستان نظامی، گفته است: «در حکومت اسلامی... ولی فقیه مبسوط‌الید است، هیچکس نمی‌تواند حکمی خارج از سیستم قضایی و شرع و قانون صادر کند» منظور این است که اگر آن مجوز قتل ارائه

مرجع قضایی نشان داد که طبق آن، شخص معینی، مقتولان را، مرتد، ناصبی یا سابی شناخته و جواز قتل آنان را صادر کرده است، مرجع قضایی، با این جواز قتل چه خواهد کرد: الف - آیا بلافاصله صادر کننده جواز را فراخواهد خواند که اظهارات خودش را طبق ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی در دادگاه به اثبات برساند؟

ب - بدون تعرض به صادرکننده، جواز را، در بست خواهد پذیرفت و به ارائه کننده خواهد گفت اعتبار جوازش را، در دادگاه به اثبات برساند؟

ج - در هر دو صورت، و با توجه به این که در سیستم قضایی کشور ما، دادگاهی پیش بینی نشده است که به چنین موردی رسیدگی و حکم صادر کند، مرجع قضایی نظامی چه کاری خواهد کرد؟

آیا دادگاه تازه‌ای تاسیس خواهند کرد؟ اگر

منتفی نیست که در خارج از جریان‌های قضایی پرونده، یک تلاش فکری برای خط دادن به متهمان و به اصطلاح «سرود یادمستان دادن» آغاز گردیده تا آن‌ها بتوانند به کمک یاران و مددکاران خودشان، در بیرون زندان، با چنگ زدن به دستاویزهای گوناگون، قتل‌های ارتكابی را لوٹ کنند و از مجازات بگریزند. طبیعی و بدیهی است که اگر این فرضیه درست از آب درآید، مقامات دست‌اندرکار پرونده قتل مخصوصاً دادستان نظامی تهران باید به هوش باشند که رودست نخورند و شتابکارانه سخنانی نگویند که زندان را به کار آید و بشود آنچه نباید بشود.

۱۱- این که گفته شده است: «متهمان باید ادعاهای خود را براساس قانون ۲۷۶ مجازات اسلامی، در یک دادگاه صالح مطرح کرده و آن را به اثبات برسانند» یعنی چه؟ فرض کنیم که یکی از متهمان، مدرکی به

شده از سوی متهم یا متهمان خارج از سیستم شرع نبود، پذیرفته می‌شود یا این که به هر روی، به علت دخالت در حوزه اقتدار و بسطید ولی فقیه، باطل و بی اعتبار خواهد بود؟

۱۰- اظهارات دادستان درباره این که: «متهمان این پرونده ادعاهایی در مورد مقتولان دارند که...» اتفاقاً مقارن و همزمان است با گفته‌های رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی که گفته بود: «مقتولان نیز از مخالفان نظام بودند به طوری که بعضی از آن‌ها حتی مرتد بودند و عده‌ای دیگر ناصبی بوده و نسبت به ائمه اطهار(ع) جسارت می‌کردند.»

این تقارن و همزمانی، بی‌اختیار این معنی را در ذهن خطور می‌دهد که دادستان نظامی تهران، تحت تاثیر و القاء تلویحی سخنان رئیس مرکز اسناد، چنین سخنانی را بر زبان رانده است. اگر چنین باشد، حتی اگر توارد ذهنی پیش آمده باشد، مشکلی پیش نمی‌آید اما این احتمال هم،



آژانس هواپیمایی

گلستان قدس

نمایندگی فروش و صدور بلیط کلیه خطوط  
هواپیمایی داخلی و خارجی به تمامی نقاط جهان

تهران: شهرک غرب، فلز پک، خیابان ایران زمین، مرکز تجاری گلستان  
تلفن: ۸۰۸۸۰۸۱ - ۸۰۹۹۳۹۳ - ۸۰۹۸۸۸۸ فاکس: ۸۰۹۳۳۴۰

فروش بلیط راه آهن دولتی ایران

شهرک غرب

چنین دادگاهی تاسیس شود، با کدام قاضی؟ با کدام آیین دادرسی؟ با کدام مقررات جزایی؟ با کدام اختیارات قانونی خواهد بود؟

برابرگفته‌های رئیس مرکز اسناد و طبق مفاد تلویحی گفته‌های دادستان نظامی، مقتولین، متهم شده‌اند به: ارتداد - نصب - سب.

فرض کنیم یکی از آن‌ها متهم است به ارتداد، در این صورت به گناه او، چگونه رسیدگی خواهد شد؟

می‌دانیم که تحقق کفر و ارتداد، در درجه اول به نیت است و ای بسا که کسی، به ظاهر حرکات و سکناتی غیرمومنانه داشته باشد (مانند برخی از فرقه‌های اهل عرفان) ولی به باطن، مومن و پرهیزکار باشد، در این حال، دادگاه تازه تاسیس، چگونه نیت متهم را از قلب او بیرون خواهد کشید و به همگان نشان خواهد داد؟

با فرض این که امکان احراز ارتداد قلبی و باطنی موجود باشد، و با فرض این که شخص موردنظر هم حاضر باشد که شخصاً به ارتداد خود اقرار کند، در این صورت دادگاه، مقتولین را که از این دنیای بی‌شفقت، رخت بر بسته‌اند، چگونه حاضر خواهد کرد که به نیت قلبی خودشان اعتراف کنند؟ و اگر این کار، ممکن نیست، پس دادگاه، چگونه و از چه راهی، به حقیقت و واقعیت پی خواهد برد؟

بدون تردید، اگر نه همه مقتولین، برخی از آن‌ها، سابقه ایمان و اعتقاد دینی و مذهبی داشته‌اند و بنابه رای اجماعی اهل فقه و اصول و عقل و نقل، ارتداد مومن، پذیرفتنی نیست زیرا که «برایمان، استحقاق ثواب ابد بود و برکفر، استحقاق عقاب ابد بود و جمع میان ایشان، در یک شخص متعذر بود...» در این صورت در باره متهمی که خودش مرده است و کسی نمی‌داند که او، در حال کفر مرده است یا ایمان و در دادگاه نیز حضور ندارد که از خودش دفاع کند، دادگاه ساخته و پرداخته دادستان نظامی تهران، چگونه داور و حکم صادر خواهد کرد؟

ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «قتل نفس، در صورتی موجب قصاص است که مقتول، شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد، قاتل باید استحقاق قتل او را، طبق موازین، در دادگاه اثبات کند.»

سؤال این است که:

الف - چه کسانی مستحق کشتن‌اند؟

ب - این استحقاق، با کدام دلایل قابل اثبات است؟

ج - منظور از موازین که طبق آن‌ها، استحقاق قتل مقتول، قابل اثبات است، چیست؟

د - به جای مقتول متهم، چه کسی از او دفاع خواهد کرد؟

ه - آیا دادگاه باید به شخصیت و صلاحیت صادرکننده حکم اولیه ارتداد، که باعث قتل مقتول شده است نیز رسیدگی کند یا اعتبار آن ثابت و غیرقابل انکار است و در صورت معتبر بودن، تشکیل دادگاه و رسیدگی به دلایل مدعی، چه لزومی خواهد داشت.

و - در هر صورت، اگر به علت غیبت مقتول در دادگاه و ناتوانی قهری او، از دفاع در برابر اتهامات، اشتباهی از قاضی دادگاه صادر شود و ناحق حکم کند و خون مسلمان مظلومی را هدر بدهد، مسؤولیت شرعی و اخروی آن، با کیست؟

سؤال بزرگتر این است که:

آیا همه کوشش‌ها و صرف هزینه‌های توانفرسا و سرسام‌آوری که این ملت کرده است و می‌کند تا دستگاه‌های قانونگذاری برپا کند و آن‌ها، قوانینی وضع کنند تا ضامن نظم و نسق اجتماع و حفظ اعراض و نفوس کشور باشد، پیامد و دستاوردش باید این باشد که چند تن کج‌اندیش و تنگ مغز، در نهانگاهی فراهم آیند، با یکدیگر کنکاش کنند و کشتن انسان‌های دانشمند و فرهیخته کشور را، تدارک ببینند و افرادی بی‌مسؤولیت، بی‌هویت و نام و نشان نیز، از ساده لوحی و ضعف نفس آنان سوء استفاده کنند و براندیشه‌های شیطانی و زیان‌بخش آن‌ها مهر تایید بزنند و بعدهم با راهنمایی زیرکانه دارندگان افکار شیطانی، و به این دستاویز که آن فرهیختگان، صرفاً و بنابه عقیده و نظر همان آدم‌کشان و همان افراد بی‌نام و نشان، «مرتد»، «ناصبی» و «سایبی» و در نتیجه «مهدورالدّم» بوده‌اند، از کیفر و پادافره قانونی بگریزند؟

در این صورت، مردم دنیا، درباره این ماده قانونی «بد»، چگونه باید داور و ارزشیابی کنند؟

اما زشت‌تر و زیانبارتر از موارد یاد شده، نتیجه‌ای است که حاصل خواهد شد. به این توضیح که اگر حتی یکبار، مفاد ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی عملی و اجراء و این باب نامیومن گشوده شود، در آینده، سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و حکم تیغ دادن در کف زندگی مست را پیدا خواهد کرد و آنگاه، هیچ کس، برجان، مال و ناموس خود ایمن نخواهد بود زیرا که هرکس، با هر غرض و مرضی، به خود حق خواهد داد که برپایه برداشت‌ها و پندارهای خودش، خون دیگری را محاکمه و محکوم و خویش را مباح و قتل او را مجاز بداند و خودش هم، رای صادره‌اش را اجراء کند! در این صورت تکلیف، اصل پراشت و حکومت قانون و غیره چه خواهد شد، نمی‌دانم!

در این باره، «در معنی باز و سلسله سخن دراز» است اما با مجال اندک ما، چاره‌ای جز رهاکردن دنباله مطلب نیست باشد که بار دیگر و در مقالتی دیگر، سخن را، به پایان برسانیم و عجلتاً از ته دل، آرزو کنیم که ایکاش، آن‌ها که در اتاق‌های در بسته فراهم می‌آیند و بی‌کمترین دوراندیشی و مصلحت‌بینی، و غیرکارشناسانه، قانون صادر می‌کنند، لختی هم به پیامدها و نتایج ناگوار اجتماعی آن قوانین، ببیندند و به این حقیقت بزرگ هم توجه کنند که قانون بد تنها گریبان چند نفر سیاست پیشه یا نویسنده بی‌گناه و بی‌پناه را نخواهد گرفت و به حکم آن‌ها که قانون، کور است، لاجرم، خشک و تر را باهم خواهد سوزانید و ای بسا که روزی هم برسراه همان قانون نویسان بی‌پروا، قد علم کند که خداوند کریم آگاه و بینا است چنانکه خود فرموده است:

«أَنْ رُبَّكَ لِبَالْمُرَادِ»

خدایت در کمینگاه است. (قرآن - فجر - ۱۴)



\* روزنامه کیهان شماره ۱۶۴۱۸-۱۶۴۱۹-۱۶۴۲۰-۱۳۷۷/۱۰-۲۲-۱۳۷۷ مصاحبه رئیس

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

\*\* روزنامه کیهان شماره ۱۶۴۲۶-۱۶۴۲۷-۱۳۷۷/۱۰-۲۹

\*\*\* روزنامه سلام شماره ۲۲۱۶-۲۲۱۷-۱۳۷۷/۱۰-۲۲

\*\*\*\* اداره مدعی العمومی - دادسرا

\*\*\*\*\* تفسیر جلاءالاذهان معروف به تفسیر جرجانی، ذیل

آیه ۲۱۷ سوره بقره